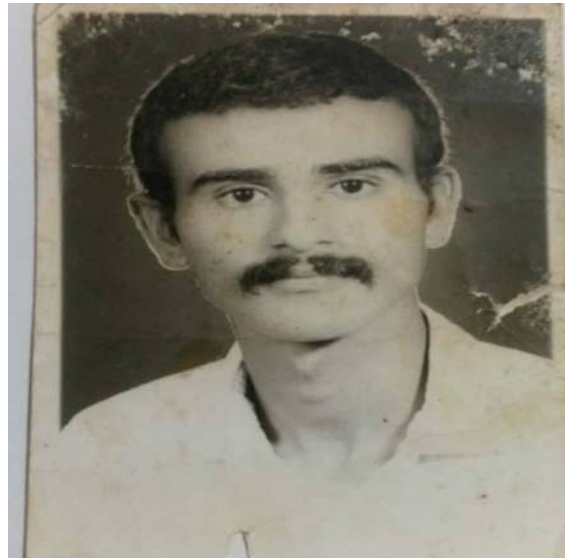


## درباره زندگی رفیق حسن بشیری



چریک فدائی خلق، رفیق حسن بشیری در خانواده ای زحمتکش به دنیا آمد. از آن جا که پدرش در شهر بندرعباس کارگاه لوله کشی داشت ، او نیز ضمن تحصیل در زمان تعطیلی مدارس در این کارگاه کار می کرد و ضمن کمک به پدر ، با مسائل و مشکلات کار هم آشنا می شد. وی همچون خیلی از جوان های بندر و هم محله ای هایش هر زمان نیز که امکانی پیش می آمد برای تخلیه بار کشتی ها در اسکله بندر کار می کرد تا به این وسیله برای خود درآمدی داشته و کمکی به خرج خانواده کرده باشد.

با شروع انقلاب مردمی در سال های ۵۶ و ۵۷ و تغییر فضای سیاسی جامعه و سپس سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، فضای سیاسی بندرعباس هم تغییر کرد تا آن جا که عملاً هیچ خانه و مدرسه و محل کاری نبود که به سیاست کشیده نشده باشد. مسائل اجتماعی - سیاسی و بحث های مربوطه تماماً محیط را در کنترل خود گرفته بود. در چنین شرایطی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به اعتبار مبارزه مسلحانه اش علیه رژیم شاه، رژیمی که به سمبل همه زشتی های جامعه تبدیل شده بود، در بندرعباس نیز همچون بقیه نقاط کشور با استقبال وسیع جوانان و از جمله رفیق حسن بشیری مواجه شد. اما دیری نگذشت که او به همراه جوانان مبارز دیگری که به واقع هوادار ارزش ها، سنت ها و تئوری انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق بودند متوجه شد که در رأس این سازمان اپورتونیست هائی لانه کرده اند که به همه ارزش ها، سنت ها و تئوری انقلابی چریکهای فدائی خلق پشت نموده، مبلغ سازشکاری بوده و در مماشات با رژیم جدید (جمهوری اسلامی) با بقیه نیروهای اپورتونیست سازشکار در جنبش مسابقه گذاشته اند.

با پی بردن به این واقعیت ، هنگامی که چریکهای فدائی خلق ایران اعلام موجودیت نمودند که بیانگر جدا شدن نیروی انقلابی چریکها از سازشکاران و شکاف در آن سازمان بود، رفیق بشیری نیز به طیف هواداران چریکهای فدائی خلق ایران پیوست. هواداران خط انقلابی در بندرعباس فعالیت های انقلابی خود را در چهارچوب جنبش

دانش آموزی آغاز کرده و تا آن جا پیش رفتند که خیلی زود فضای سیاسی شهر را به خود اختصاص داده و به وزنه سنگینی در سطح شهر بدل شدند.

تا زمانی که امکان فعالیت علنی وجود داشت ، رفیق حسن بشیری همراه با دیگر نیروهای هوادار خط انقلابی در استفاده از این امکان دریغ نورزیدند. اما آن ها خود را محدود به فعالیت های علنی نکردند بلکه در چهارچوب امکانات و فضائی که جنبش دانش آموزی فراهم نموده بود در جهت ایجاد هسته های چریکی گام برداشتند. همین هسته ها بودند که بانک های جمهوری اسلامی را به تدریج آماج حملات خود قرار داده و امکانات لازم برای گسترش مبارزه را تدارک دیدند.

با یورش سراسری و سیستماتیک دشمن به نیروهای انقلابی بعد از ۳۰ خرداد سال ۶۰، نیروهای هوادار چریکهای فدائی خلق در بندرعباس هم آماج تهاجم ضدانقلابی کرکسان تازه به قدرت رسیده قرار گرفتند. جریان این تهاجم، چریک فدائی خلق رفیق حسن بشیری دستگیر و زیر شدیدترین شکنجه ها قرار گرفت. در آن دوره که سرکوب هر چه شدیدتر و بس بی رحمانه تر نیروهای انقلابی کسب و کار اصلی دشمنان توده ها را تشکیل می داد، هواداری از چریکهای فدائی خلق ایران برای دست اندرکاران جمهوری اسلامی بی چون و چرا جرمی محسوب می شد که جزای مرگ داشت. به همین خاطر هنوز مدت زیادی از دستگیری رفیق حسن نگذشته بود که دژخیمان رژیم در ۲۰ مهر سال ۶۰ رفیق حسن را به جوخه اعدام سپردند. با شهادت رفیق گرامی حسن بشیری، چریکهای فدائی خلق همراه با کارگران و زحمتکشان ما یکی از صدیق ترین یاران خود را از دست دادند.

رفیق حسن همچون بقیه همفکرانش با مطالعه نظرات و موضع گیری های چریکهای فدائی خلق در رابطه با رژیم تازه استقرار یافته جمهوری اسلامی، به این درک و آگاهی انقلابی دست یافته بود که رژیم جدید در جهت حفظ و پیشبرد همان مناسبات اقتصادی - اجتماعی (سیستم سرمایه داری وابسته) حرکت می کند که رژیم شاه حرکت می کرد؛ و از این رو می دانست که رژیم جدید هم رژیمی وابسته به امپریالیسم می باشد که دیر یا زود یورش سراسری خود را به کارگران و ستمدیدگان و نیروهای انقلابی مدافع منافع آن ها شروع خواهد کرد. به همین دلیل رفیق حسن نیز در کنار دیگر مدافعین خط انقلابی چریکهای فدائی خلق ضمن هشدار نسبت به بازگشت اجتناب ناپذیر دیکتاتوری و سلطه سراسری اختناق، مبلغ آن بود که نیروهای مردمی مسلح شده و به سازماندهی مسلح توده ها بپردازند. چرا که بر این باور بودند که تنها به این طریق است که نیروهای مردمی قادر می شوند با یورش ددمنشانه ای که در پیش است مقابله نموده و امر انقلاب را پیش ببرند. اما متأسفانه هشدارها و تحلیل های انقلابی خط راهنمای انقلابیونی چون رفیق حسن بشیری در محاصره تبلیغات سازشکاران به درستی شنیده نشد و با یورش سراسری نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی که درست برای همین هجوم هم آموزش دیده و سازمان یافته بودند دوران سیاه سال های ۶۰ رقم خورد و هزاران جوان مبارز و انقلابی به دست جنایتکاران حاکم به خاک و خون کشیده شدند.

جمهوری اسلامی با یورش به سازمان های سیاسی و نابودی نیروهای وسیعی از توده های مبارز و انقلابی و در واقع با سرکوب انقلاب، هم به وظیفه ای که از طرف امپریالیست ها بر دوشش گذاشته شده و به همین خاطر به قدرت رسیده بود عمل کرد و هم شرایط را برای گسترش سلطه امپریالیسم و چپاول وحشیانه کارگران و زحمتکشان مهیا نمود. اما خون آزادیخواهان و کمونیست هائی نظیر رفیق حسن بشیری که در دوران سیاه دهه ۶۰ بر زمین ریخته شد به هدر نرفته است. این خون ها با تجارب گرانبهائی که به جای گذاشته اند درخت

انقلاب آتی را آبیاری می کند، انقلابی که این بار با رهبری طبقه کارگر استقلال، آزادی، رفاه و زندگی توأم با سعادت را برای ستمدیدگان به ارمغان خواهد آورد.

**یاد رفیق حسن بشیری گرامی و راهش پر رهرو باد!**